

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکدهٔ زبانشناسی

پایان نامه

برای دریافت درجهٔ کارشناسی ارشد

موضوع:

توصیف ساختمان فعل در گویش بهمانی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد دبیر مقدم

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر یحیی مدرسی

نگارش:

روزینا بهروز

زمستان ۱۳۷۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان:
۱	تشکر و قدردانی
۲	الفبای آوایی بکار گرفته شده در این رساله
۴	نقشه جغرافیایی
۵	فصل اول - مقدمه
۵	۱-۱- گویش شناسی
۷	۱-۲- موقعیت جغرافیایی و تاریخی شهر بهبهان
۱۰	۱-۳- نژاد مردم بهبهان
۱۰	۱-۴- گویش بهبهانی
۱۱	۱-۵- لوتر در گویش بهبهانی
۱۲	۱-۶- روش کار
۱۳	خلاصه فصل اول
۱۴	فصل دوم - توصیف عمومی گویش بهبهانی
۱۴	۲-۱- واج شناسی
۱۴	۲-۱-۱- توصیف واجی
۱۴	همخوانها
۲۰	جدول واجی همخوانهای گویش بهبهانی
۲۱	واکه ها
۲۲	جدول واجی واکه های گویش بهبهانی
۲۳	واکه های مرکب

۲۴	جدول واکه های مرکب گویش بهبهانی
۲۵	۲-۱-۲- الگوی همجایی
۲۶	۲-۱-۳- برخی از فرآیندهای آوایی
۲۶	همگونی واکه باواکه
۲۷	همگونی واکه باهمخوان و حذف واکه
۲۸	همگونی همخوان باواکه
۲۹	حذف همخوان
۲۹	افزایش همخوان
۳۰	قلب
۳۰	۲-۲- صرف
۳۰	۲-۲-۱- اسم
۳۳	اضافه
۳۵	معرفه
۳۵	نکره
۳۶	تصغیر
۳۶	۲-۲-۲- ضمایر
۴۰	۲-۲-۳- صفت
۴۲	۲-۲-۴- قید
۴۳	۲-۲-۵- اعداد
۴۴	۲-۳- نحو
۴۴	۲-۳-۱- انواع جمله از نظر نوع فعل
۴۴	جمله با فعل اسنادی
۴۵	جمله بدون فعل اسنادی
۴۵	۲-۳-۲- انواع جمله از نظر آهنگ کلام

۴۵	جمله با آهنگ برخاسته
۴۶	جمله با آهنگ افتاده
۴۶	خلاصه فصل دوم
۴۷	فصل سوم - توصیف ساختمان فعل در گویش بهبهانی
۴۷	۱-۳- عناصر سازنده گروههای فعلی
۴۷	۱-۱-۳- وندهای شخصی
۵۶	۲-۱-۳- پیشوندهای فعلی
۶۰	۳-۱-۳- پسوندهای فعلی
۶۲	۴-۱-۳- ستاک
۶۲	ستاک حال
۶۴	ستاک گذشته
۶۶	۵-۱-۳- افعال معین
۷۵	۶-۱-۳- افعال شبه معین (وجهی)
۷۶	۲-۳- مصدر
۷۶	۱-۲-۳- ساختمان مصدر
۷۷	۲-۲-۳- مصدر افعال سببی
۷۸	۳-۲-۳- مصدر افعال مجهول
۸۰	۳-۳- فعل ربطی
۸۵	۴-۳- مقولات فعل
۸۵	زمان، وجه و نمود
۱۰۴	۵-۳- فعل لازم، متعدی و ذووجهین
۱۰۸	۶-۳- جهت
۱۰۸	۱-۶-۳- مجهول
۱۱۱	ساخت فعل مجهول در افعال مرکب

۱۱۲	۳-۷- ساختهای سببی
۱۱۲	۳-۷-۱- ساختهای سببی ساده
۱۱۳	سببی های ریشه ای
۱۱۴	سببی های تکواژی
۱۱۶	سببی های کمکی
۱۱۷	۳-۷-۲- ساختهای سببی مرکب
۱۲۰	۳-۸- انواع فعل از نظر ساختمان
۱۲۰	۳-۸-۱- فعل ساده
۱۲۰	۳-۸-۲- فعل مرکب پیشوندی
۱۲۱	۳-۸-۳- فعل مرکب
۱۲۳	ویژگیهای صرفی افعال مرکب
۱۲۵	افعال کمکی یا همراه
۱۳۱	خلاصه فصل سوم
۱۳۲	فصل چهارم - مقایسهٔ اجمالی گویش بهبهانی با فارسی
۱۳۲	۴-۱- مقایسهٔ آوایی
۱۳۲	۴-۱-۱- واکه ها
۱۳۴	۴-۱-۲- همخوانها
۱۳۵	۴-۲- مقایسهٔ آوایی در سطح مدخنها و واژگانی
۱۳۵	۴-۲-۱- تفاوت در نوع صداها
۱۳۸	۴-۲-۲- تفاوت در تعداد صداها (همخوان و واکه)
۱۳۹	۴-۲-۳- تفاوت در جایجایی صداها (قلب)
۱۳۹	۴-۲-۴- تفاوت در تعداد، نوع و جایجایی صداها
۱۳۹	۴-۳- مقایسهٔ ساختاری
۱۴۵	خلاصه فصل چهارم

فصل پنجم - خلاصه

۱۴۶

ضمیمه - یک داستان کوتاه آوانویسی شده و ترجمه آن

۱۵۰

کتابنامه

۱۵۳

تشکر و قدردانی

فرصت را مغتنم شمرده وظیفه خود می دانم که از توجهات و راهنمائیهای استادان بزرگوارم، جناب آقای دکتر محمد دبیر مقدم، استاد راهنما و جناب آقای دکتر یحیی مدرسی، استاد مشاور و نیز از همکاری و همراهی بیدریغ گویشوران ارجمند جناب آقای ام‌الله فضلی نژاد و جناب آقای سید محمد سید که در امر تدوین، تحقیق و تألیف این پایان نامه، اینجانب را یاری فرموده اند از صمیم قلب سپاسگزاری نمایم.

روزینا بهروز

زمستان ۱۳۷۳

الفبای آوایی بکار رفته در این رساله

p	انسدادی، سخت، بیواک، دولبی
b	انسدادی، نرم، واگذار، دولبی
m	رسا، خیشومی، نرم، واگذار، دولبی
f	سایشی، سخت، بیواک، لب و دندانی
v	سایشی، نرم، واگذار، لب و دندانی
t	انسدادی، سخت، بیواک، دندانی - لثوی
d	انسدادی، نرم، واگذار، دندانی - لثوی
n	رسا، خیشومی، نرم، واگذار، دندانی - لثوی
l	رسا، غلتان، نرم، واگذار، لثوی
s	سایشی، سخت، بیواک، لثوی
z	سایشی، سخت، نرم، واگذار، لثوی
š	سایشی (پاشیده)، سخت، بیواک، لثوی - کامی
ž	سایشی (پاشیده)، سخت، واگذار، لثوی - کامی
y	نیم واکه کامی
ts	انسدادی - سایشی، سخت، بیواک، لثوی
dz	انسدادی - سایشی، نرم، واگذار، لثوی
k	انسدادی، سخت، بیواک، نرمکامی
g	انسدادی، نرم، واگذار، نرمکامی
x	سایشی، سخت، بیواک، ملازی
ɣ	سایشی، نرم، واگذار، ملازی
ŋ	انسدادی، نرم، واگذار، ملازی
ʔ	انسدادی، سخت، بیواک، چاکنایی
h	سایشی، سخت، بیواک، چاکنایی

جدول همخوانهای گویش بهبهانی

i	واکه پیشین ، بسته ، گسترده
e	واکه پیشین ، نیم بسته ، گسترده
æ	واکه پیشین ، باز ، گسترده
u	واکه پسین ، بسته ، گرد
o	واکه پسین ، نیم بسته ، گرد
a	واکه پسین ، باز ، گرد
i:	واکه پیشین ، بسته ، گسترده ، با کشش
ĩ:	واکه پیشین ، خیشومی شده ، بسته ، گسترده ، با کشش
u:	واکه پسین ، بسته ، گرد ، با کشش
ũ:	واکه پسین ، خیشومی شده ، بسته ، گرد ، با کشش
õ:	واکه پیشین ، خیشومی شده ، نیم بسته ، گسترده ، با کشش
æ:	واکه پیشین ، باز ، گسترده ، با کشش
a:	واکه پسین ، باز ، گرد ، با کشش
ə	واکه میانی ، نیم بسته ، خنثی
ø:	واکه پسین ، خیشومی شده ، نیم بسته ، گرد ، با کشش

جدول واکه های گویش بهبهانی

نقشه بخش‌های استان خراسان



علامه

● مرکز استان

⊙ مرکز شهرستان

--- حدود بخش

— حدود شهرستان

— حدود استان



کیلومتر ۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

فصل اول - مقدمه

۱-۱ - گویش شناسی

گویش شناسی یکی از شاخه های زبان شناسی عملی است که به تجزیه و تحلیل و توصیف گونه های محلی زبانهای پردازد، اختلاف این گونه ها را از لحاظ ساختاری و واژگانی بررسی می کند و به نحوه توزیع جغرافیایی آنها می پردازد. باید توجه داشت که سیطره و گسترش زبان فارسی در اقصی نقاط ایران بعنوان زبان رسمی، سوادآموزی و گسترش آموزش همگانی و رسانه های گروهی، بتدریج باعث از بین رفتن گویشهای محلی خواهد شد. توصیف این گویشها در موقعیت کنونی، راه را برای مطالعه و بررسی و غنای هرچه بیشتر زبان فارسی باز خواهد کرد. هر یک از این گویشها خود منبعی برای پژوهشهای زبانی محسوب می شوند که مطالعه آنها هم از بعد نظری (نظریه پردازي و انتخاب نظریه ها) و هم از بعد توصیفی (توصیف ساخت زبان و ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی آن) حائز اهمیت است.

از راه بررسی گویشها می توان مسیردگرگونی زبان و فرمولهای تبدیل آواها را یافت و با استفاده از قواعد و اثره سازی که در این گویشها وجود دارد، بر غنای

زبان فارسی افزود و در برابر تهاجم واژه‌های بیگانه از واژگان آنها سود جست. با تهیه اطلس گویش‌های توان به سنجش آنها پرداخت و به ارتباط آنان با محیط جغرافیایی پی برد. با گردآوری این گویش‌ها و بررسی علمی آنها می‌توان به تدوین فرهنگ‌های توصیفی و دستور زبان فارسی کمک کرد.

از بررسی گویش‌ها، در مطالعات غیر زبانی همچون بررسی‌های فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توان سود جست و از آنجا که فرهنگ و ستهای گذشته یک جامعه در واژگان قدیمی و فراموش شده آن متبلور است با مطالعه واژگان قدیمی تر این گویش‌ها، روابط اجتماعی و فرهنگی آن دوره در منطقه مورد نظر مشخص می‌شود.

بر اساس استدلال‌های فوق، این نگارنده "توصیف ساختمان فعل در گویش بهبهانی" را به عنوان موضوع پایان نامه خود برگزیده است. همانطور که از عنوان آن استنباط می‌شود، هدف، "توصیف" ساختمان فعل خواهد بود، بدون آنکه این توصیف بر اساس نظریه‌ای خاص استوار باشد. این بدان معنا نیست که این کاریژوهشی فاقد پشتوانه نظری خواهد بود، بلکه مفاهیم مطرح در نظریه‌های مختلف به ضرورت بحث به کار گرفته خواهند شد.

انتخاب گویش بهبهانی :

این انتخاب به دلایل متعددی صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فاصله نسبتاً طولانی شهر بهبهان از تهران از جمله عواملی است که این گویش را تا حدودی بکر و دست نخورده نگاه داشته است و در نتیجه می‌توان تفاوت‌های محسوسی بین این گویش و فارسی معیار تشخیص داد.

- تا جاییکه نگارنده بررسی کرده است، تحقیقی درباره این گویش صورت نپذیرفته است.

- از آنجا که خود متولد خوزستان هستم ، همیشه این تمایل در من وجود داشته تا با این گویش آشنائی پیدا کنم و در صد بررسی و توصیف آن برآیم .

۱ - ۲ - موقعیت جغرافیائی و تاریخی شهر بهبهان

بهبهان یکی از شهرهای قدیمی کشور، در جنوب شرقی استان خوزستان واقع شده است و با تهران ۱۱۰۵ کیلومتر فاصله دارد. در روزگار ساسانیان یکی از پنج ناحیه شیراز، کوره قباد نام داشته است که حکومت نشین آن را ارجان می نامیدند. ویرانه های شهر ارجان هم اکنون در کنار ساحل مارون در ۱۲ کیلومتری شمال بهبهان وجود دارد که فضائی حدود ۴ کیلومتر مربع رامی پوشاند. آثار باستانی بدست آمده در این نواحی حاکی از آنست که قدمت شهر ارجان به دوره ساسانیان و اشکانیان می رسد. برای مثال در خیرآباد محلی معروف به چهارطاق باقیمانده از ابنیه ساسانیان مشاهده می شود. بین اسک و ارجان نیز خرابه هایی موجود است که مربوط به دوره ساسانیان است. (فرهنگ جغرافیائی ایران، ۲۵۳۵ : ص ۶۳). ناصر خسرو قبادیانی که در سال ۴۴۳ از شهر ارجان دیدن نمود می نویسد: "ارجان شهری بزرگ است و در آن بیست هزار مرد بود". اگر هر مرد را نماینده یک خانواده پنج نفره بدانیم و یا اگر سرشماری جمعیت شهرها را در زمان قدیم بر حسب داشتن مردان جنگی و استعداد رزمی هر شهر تصور کنیم با این حساب و طبق نوشته ناصر خسرو جمعیت ارجان در حدود یک صد هزار نفر بوده است (جوکارقناتی، ۱۳۵۰ : ص ۸).

آثار ایلامیها و کلدانیان در نزدیکیهای شهر ارجان از سنگ نوشته ها و حجاریهای ننگ سروک و غیره موجود است و معلوم می گردد که ارجان از شهرهای بسیار قدیمی بوده است. این شهرستان قبل از ساسانیان موسوم به "آریاگان" یعنی محل سکونت آریاها و کرسی آن شهر قدیمی ارگان (مخفف آریاگان) بود و در دوره اسلامی ارگان را معرب نموده "ارجان" نامیدند.

برخی از مورخین نوشته اند در زمان داریوش سوم هخامنشی که اسکندر به ایران لشکر کشید موقعی که می خواست به فارس برود از ارجان عبور نمود. وقتی که قباد بن فیروز ساسانی پدر انوشیروان عادل پادشاه شد توجه خود را به آبادی بعضی از شهرهای ایران معطوف داشت از جمله نسبت به پیشرفت شهر ارجان آنقدر کوشش کرده بود که اکثر مورخین دوره اسلامی موجودیت قبلی و سوابق تاریخی این شهر را از نظر انداخته ارجان را از بناهای قباد دانستند (جوکارقناتی، ۱۳۵۰: ص ۶).

به هر حال ارجان یکی از مهم ترین شهرهای قدیمی فارس بود. ارجان از دیر زمان تا آخر قرن پنجم در نهایت آبادی بود. اما بتدریج روبه خرابی نهاد بطوریکه تا آخر قرن هفتم نپائید. مورخین به عوامل زیر در خرابی شهر ارجان اشاره کرده اند: شکستن سد ارجان و مختل شدن امور زراعی و نا امنی منطقه (همان منبع، ص ۴۲).

پس از خرابی ارجان، شهر بهبهان که یکی از روستاهای آن بود روبه آبادی نهاد و کم کم شهری شد و جانشین ارجان گردید. کلمه بههو bahu مطابق تعریف معین به معنای "کوشک" است. بنظر می رسد که آن عده از مردم ارجان که به کوشک دشت (یکی از دهات ارجان) آمده و در آن ساکن شده اند، سپس خانه هایی به سبک خانه های شهر ارجان بنا نهاده که بهتر از بههو یعنی کوشک بوده و از این لحاظ آن را بهبهو یعنی بهتر از کوشک گفته اند و اهالی این شهر هنوز به زبان محلی بهبهان را "بهبهو" می گویند (جوکارقناتی، ۱۳۵۰: ص ۴۸).

برخی از مورخین وجه تسمیه بهبهان را چنین نوشته اند: که مردم آنجا در ایام پیشین بهان (سیاه چادر) نشین بوده اند و چون خانه های سنگی و گچی ساختند و در زمستان و تابستان آن را بهتر از سیاه چادر یافتند گفتند به بهان یعنی بهتر از سیاه چادر. از این جهت آنجا بنام "بهبهان" معروف شد (اقتداری، ۱۳۵۹: ص ۲۲۴).

پروفسور گاربه می نویسد: "بهبهان مرکز کنونی شهرستان بهبهان که بخش بزرگی از آن با استان قرون وسطائی ارجان مطابقت دارد در نیمه دوم قرن هشتم هجری برابر قرن چهاردهم میلادی جانشین ارجان گردید" (اقتداری، ۱۳۵۹: ص ۲۲۶).

نام بهبهان برای اولین بار در نیمه دوم قرن هشتم هجری در تاریخ ذکر گردیده است. مؤلف تاریخ فارسنامه ناصری می نویسد: "در سال ۷۸۶ شاه منصور که در اواخر حیات شاه شجاع والی شوشتر بود اخبار سلطان زین العابدین و شاه یحیی را شنیده و در طمع مملکت فارس افتاد. از بهبهان و شولستان تا حدود کازرون تاخته خرابی بسیار نمود." و نیز شرف الدین علی یزدی در کتاب ظفرنامه در ذکر وقایع سال ۷۹۵ راجع به لشکر کشی تیمور به فارس نام بهبهان را ذکر کرده است (جوکارقناتی، ۱۳۵۰: ص ۱۰۰). ابتدا شهرستان بهبهان در شماریکی از شهرستانهای استان فارس محسوب می گردید اما وجود نفت در خوزستان و کشف چاههای جدید در حوزه های نفتی آغا جاری و گچساران باعث شد تا در سال ۱۲۷۸ هـ. ش امور اداری شهرستان بهبهان از فارس مجزا و از نظر تقسیمات کشوری تابع استان خوزستان گردد (همان منبع، ص ۴۹).

اکنون شهرستان بهبهان از شمال به کهکیلویه، از شرق به گچساران، از جنوب به بندر دیلم و هندوستان و از غرب به ماهشهر و رامهرمز محدود می باشد. وسعت این شهرستان ۳۵۱۶ کیلومتر مربع است و مطابق آمارنامه استان خوزستان در سال ۱۳۷۰، جمعیت این شهرستان ۱۶۴،۳۷۹ نفر است که از این تعداد ۸۶،۱۷۵ در شهر بهبهان و بقیه در روستاهای اطراف زندگی می کنند. حدود چهل هزار نفر از مهاجرین جنگی در دهه اخیره به این شهرستان مهاجرت کرده بودند (Ehsan Yarshater, 1990: p.94) که اغلب آنها پس از خاتمه جنگ این شهر را ترک کردند. این شهر به دو محله بزرگ تقسیم شده است که یکی را بهبهان و دیگری را قنات می نامند. کوچه وسیعی این دورا از هم جدا کرده که آن را خط

می نامند. با وجودیکه دشمنی این دو گروه قدمت بسیار دارد، تفاوت‌های زبانی زیادی بین این دو گروه مشاهده نشده است به جز اینکه واژه‌های کشیده در میان این گویشوران بیشتر است و صامت‌های dz و ts لثوی در گویش قنواتی هاگرایش به دندانی- لثوی شدن دارند. لازم به ذکر است گویشورانی که برای این بررسی انتخاب شده اند از محله بهبهانیها بوده اند.

۱ - ۳ - نژاد مردم بهبهان

درازمنه قدیم از کهکیلویه تا نزدیکیهای شوش محل سکونت مردمانی بود که آنها را "اوکسیان" می گفتند. مؤلف تاریخ ایران باستان می نویسد ولایت اوکسیان در همسایگی شوش واقع است و تا مدخل پارس امتداد دارد. مؤلف تاریخ جغرافیائی خوزستان می نویسد اوکسیها در کوهستانهای شرقی خوزستان نشیمن داشته اند. ریشه نژاد و تاریخ مهاجریشان نامعلوم است ولی تا دو هزار سال پیش بطور یقین در این حدود سکونت داشته اند. اوکسیها در قرون بعد به جهاتی به لر موسوم گشتند. نژاد امروزی مردم بهبهان از اعیان اوکسیها و نژادهای دیگری است که بعداً به این محل آمده سکونت اختیار نموده اند (جوکار قنواتی، ۱۳۵۰: ص ۶۲).

۱ - ۴ - گویش بهبهانی

بنابه تقسیم بندی یارشاطر در مقاله "زبانها و لهجه های ایرانی"، گویش لری جزء لهجه های جنوبی از بخش غربی زبان های ایرانی جدید است (یارشاطر، ۱۳۳۷: ص ص ۱۳ و ۲۲). گویش بهبهانی یکی از انشعابات گویش لری است (جوکار قنواتی، ۱۳۵۰: ص ۶۲) که از گویشهای کازرونی، شیرازی، بوشهری و رامهرمزی تاثیر بسیار پذیرفته است. گویشوران بهبهانی نوشتنی های خود را به فارسی می نویسند. از آنجائیکه قریب به اتفاق مردم شهرستان بهبهان گویشور هستند و در خانه با فرزندان خود به گویش بهبهانی تکلم می کنند و با توجه به آمار فوق الذکر تخمین زده می شود که تعداد گویشوران بهبهانی حدود ۸۰ هزار نفر باشد. اهالی شهر لری و فارسی

را خوب می دانند و هنوز از واژه هائی که احتمالاً منشأ خوزی دارند استفاده می کنند. (Ehsan Yarshater, 1990:p.95).

۱ - ۵ - لوتر در گویش بهبهانی

لوترا Lutara یا لوتر Lutar، به معنای زبانی غیر معمول است که دو کس با هم قرار داده باشند که بدان سخن گویند تا دیگران از آن چیزی نفهمند، زبان شکسته (معین، ۱۳۷۱:ص ۳۶۴۲). نوجوانان و جوانان شهر بهبهان از دوسوع لوتر استفاده می کنند.

اول همان زبان زرگری معروف است که طرز ساخت آن به شکل زیر است :

me: من

meze: من (زرگری)

to: تو

tozo: تو (زرگری)

اگر پس از همخوان یک واکه قرار گیرد، پس از آن واکه صدای z و همان واکه قبل تکرار می شود:

/cv1 → cv1zv1/

واگر پس از همخوان، واکه ای نباشد به همان شکل تلفظ می شود.

بروم bešæm → bezešæzæm

لوتر دیگری که در بهبهان بخصوص در قشر نوجوان کاربرد دارد به شکل زیر ساخته می شود:

me: → merepe

تو to: → toropo

بروم bešæm → berepešæræpæm

به این ترتیب اگر پس از همخوانی یک واکه قرار گیرد، پس از آن واکه، صدای r با همان واکه قبل و بعد صدای p با همان واکه قبل تکرار می شود. اگر پس از همخوانی واکه ای نباشد به همان شکل تلفظ می شود:

/cv1 → cv1rv1pv1/

آفتاب زیر سبد پنهان نمی شود.

?æftow zire sælle nemišu

?æræpæftoropow ziripirerepe særæpælerepe nerepemiripišurupu

۱-۲- روش کار

با توجه به ویژگی انعطاف پذیری "روش مصاحبه"، این روش یکی از بنیادی ترین و شاید بهترین روشهای جمع آوری اطلاعات بخصوص در بررسیهای گویشی است. این روش باعث ایجاد فضایی آزاد و صمیمانه خواهد بود که در آن گویشورا احساس اطمینان و اعتماد می کند. در تهیه این رساله از تلفیق و ترکیب دو روش "مصاحبه منظم و آزاد" استفاده شده است یعنی علیرغم وجود سوالات مشخص و از پیش تعیین شده، به گویشور امکان صحبت آزاد در محدوده موضوعهای مورد بحث نیز داده می شود. سوالاتی که از قبل تعیین شده بود بر پایه ۲۰۰ واژه "موریس سوادش" و نیز جملاتی از کتاب "راهنمای گردآوری گویشها" از دکتر صادق کیا بوده است. در تدوین این رساله روش مصاحبه بایک گویشور اصلی و یک گویشور فرعی انتخاب گردیده است. گویشور اصلی در این روش فردی است بنام "امرا لله فضلی نژاد"، ۳۵ ساله، دانشجو، متولد و ساکن شهر بهبهان. در این روش از گویشور خواسته شد تا واژه ها و جملات مورد نظر را ادا کند. برای دقت هرچه بیشتر در آوانویسی، از دستگاه ضبط صوت

نیز استفاده شده است. پس از اتمام کار که در چندین نوبت پی در پی انجام گرفت جملاتی که توسط گویشور اصلی ادا شده بود، با دقت آوانویسی شد و مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گرفت. جهت اطمینان هر چه بیشتر و بهتر در ضبط و ثبت داده ها، تمامی جملات مورد نظر با گویشور دوم با دقت تمام مجدداً مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. گویشور دوم فردی است بنام سید محمد سید، ۵۶ ساله، متولد و مقیم بهبهان. لازم به یادآوری است که در این بررسی علاوه بر داده هایی که توسط نگارنده گردآوری گردیده است، از شش عدد نوار کاست نیز که حاوی داستانها، ضرب المثلها و متلهای محلی بهبهانی بود و توسط آقای سید ضابط و تکثیر شده بود بعنوان اطلاعات تکمیلی استفاده شده است.

خلاصه :

در فصل اول به اهمیت بررسیهای گویش شناسی، موقعیت تاریخی و جغرافیایی شهر بهبهان، تژاد و گویش مردم بهبهان اشاره شد و این مسئله عنوان گردید که به دلیل آنکه مطالعات و بررسی دقیقی بر روی این گویش به لحاظ نسب شناختی صورت پذیرفته است، اظهار نظر کردن قطعی در این باره منوط به مطالعات و تحقیقات مفصلتری در این زمینه است ولی برخی از زبان شناسان این گویش را مرتبط با گویش لری و گویشهای خوزی دانسته اند. در این فصل، همچنین دو نوع لوترو روش کار مورد بررسی قرار گرفت.

فصل دوم - توصیف عمومی گویش بهبهانی

۱-۲- واج شناسی

گزارشی از وضعیت نظام آوایی گویش بهبهانی

۲ - ۲ - ۱ توصیف واجی :

همخوانها:

در گویش بهبهانی بیست و چهار همخوان وجود دارد که اغلب در سه موضع آغازی، میانی و پایانی هجا قرار می گیرند. در زیر فهرست این همخوانها به همراه نمونه هایی از آنها ذکر می گردد:

۱ - /b/ در:

بچه = /betsæ/ عطسه = /sæbr/ دیو = /di:b/

۲ - /p/ در:

بنج = /pey/ بزرگ = /gæp/

۳ - /t/ در:

آتش = /tæš/ حتماً = /hætm/ نیش = /nešt/

۴ - /d/ در:

درخت = /dar/ سدر = /sedr/ خسته = /zəmænd/

۵ - /dz/ در:

جوی = /dzu:/ کشت دیم = /bædz/

۶ - /ts/ در:

چربی = /tsowri/ جوانه نخل = /bæts/